

بازیافت، خواب خوشی که تعبیر نمی‌شود

سپهر غرب، گروه شهر: به دلیل فقدان توجه و حمایت با وجود پتانسیل‌های بالا، همدان هیچ سهمی از صنعت بازیافت ندارد.

باز یافت به عبارت ساده یعنی استفاده از مواد مصرف‌شده برای تولید و ساخت مجدد همان کالا یا کالای قابل استفاده دیگر؛ این فرایند سه فایده مهم و اساسی دارد، نخست صرفه‌جویی در منابع طبیعی، دوم صرفه‌جویی در انرژی و سومین فایده آن نیاز به فضای کمتر برای دفن زباله‌هاست.

البته وقتی از بازیافت حرف می‌زنیم صرفاً موضوعات فوق مدنظر نیست، در کنار آن از چرخه‌ای صحبت می‌شود که نه تنها موجب اشتغال‌زایی برای هزاران نفر می‌شود، بلکه میلیاردها تومان صرفه‌جویی اقتصادی و سود را نیز در پی دارد.

بر اساس اعلام مراکز تحقیقاتی، صنعت بازآلات می‌تواند بخش اعظمی از تقاضاهای رو به رشد مواد اولیه را پاسخگو باشد. گویا اینکه کشور ایران می‌تواند با جایگزین کردن مواد بازیافتی به جای مواد پتروشیمی و با معیادنی، بخش عمده‌ای از نیاز انرژی و مواد خام خود را تأمین کرده و سهم بیشتری به صادرات اختصاص دهد، در این صورت کشوری مانند ایران می‌تواند به‌خوبی نیازهای خود را برآورده داشته‌باشد. تقاضای مواد شیمیایی بدون افزایش تولید پتروشیمی، سهم خود را بر بازار افزایش دهد.

همچنین در دنیای صنعت امروز که اصل کار و تولید بر بنیاد صرفه‌جویی در مصرف انرژی نهاده شده، خوب است بدانیم که برای بازیافت مواد انرژی کمتری مورد نیاز بوده (برعکس مواد خام معدنی)؛ درواقع مهم‌ترین شاخص بازیافت مواد، جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های ملی است.

برای مثال ساختن وسایل فلزی از فلزات بازیافت شده ۹۰ درصد انرژی کمتر در مقابله با ساختن آن از سنگ معن نیاز دارد؛ بازیافت آلومینیوم نیز آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فرآیند تولید اولین فلز را ۹۵ درصد کاهش می‌دهد، همچنین تهیه شیشه از شیشه بازیافت شده ۵۰ درصد آلودگی آب و ۲۰ درصد آلودگی هوا را کاهش می‌دهد.

انرژی لازم برای تولید یک کیلوگرم لاستیک نو، سه برابر انرژی مورد نیاز برای تولید یک کیلوگرم لاستیک بازیافتی است. از طرفی به کمک بازیافت مساحت کمتری از بیابان‌ها و مراتع کشور به زیاده‌دانی تبدیل می‌شود؛ برای تهیه هر تن کاغذ از چوب ۴۴۰ هزار لیتر آب مصرف می‌شود، در حالی که برای تهیه آن از کاغذ باطله، یک‌هزار و ۸۰۰ لیتر آب کافی است.

بازیافت هر تن کاغذ از قطع شدن ۱۷ اصله درخت جلوگیری خواهد کرد و ۹۰ هزار هکتار جنگل را برایمان حفظ می‌کند.

فقد مسلماً با درک این قواید است که امروزه در بهترین فرایندهای جهان صنعت بازیافت به یکی از مهم‌ترین فراورندهای بازگشت مواد خام و سرمایه به تولید چرخه تولید و نیز راهکاری برای کاهش مصرف انرژی تبدیل شده، بدونی که در حال حاضر کشور ایران در تصادیه اروپا سبیل و الگوی رایج سایر کشورهای در زمینه بازیافت زباله و دوستی با محیط زیست است اما در آسیا ژاپن یکی از پیشرفته ترین سامانه های بازیافت را به خود اختصاص داده و همچنین کشورهای آمریکا نیز در این حوزه حرفه ای بسیاری برای گرفتن دارا اما در کشور ما چون پتانسیل های بسیار بالا اما هنوز موضوع بازیافت آن گونه که بایدوشاید جدی گرفته نشده و بدان توجه نمی شود.

۳۳ **ثروتی که دور می‌ریزیم**
در حالی که بنا بر آمارهای اعلام‌شده متوسط ثروتانه تولیدی روزانه زباله در کشور ما ۷۱۰ گرم برای هر نفر بوده که مجموع این زباله در روز به بیش از هزاران تن و سالانه به حدود ۲۰ میلیون تن زباله و پسماند می‌رسد، با این حال و در مقایسه با متوسط جهانی (بایافت زباله در جهان ۷۰ درصد است)، می‌تواند در کشور ما فقط ۱۰ درصد زباله‌ها را شامل شده و میلیون‌ها تن دیگر در می‌شوند که متأسفانه همین امر باعث آلودگی میلیون‌ها مترمکعب آب زیرزمینی و عرصه‌های طبیعی شده که به‌طور حتم می‌تواند به بی‌توجهی به این خطرات بسیار جدی برای کشور و مردم وارد.

در کشوری مانند ایتالیا ۵۴ درصد زباله دفن، ۲۲ درصد بازافت و ۳۳ درصد کمپوست می‌شود؛ اما در ژاپن تنها سه درصد دفن زباله هست، ۱۷ درصد بازافت زباله و ۸۰ درصد کمپوست می‌شود؛ در آمریکا ۲۴ درصد بازافت انرژی وجود دارد؛ قابل استناد اینست که در سوئیس یک درصد دفن، ۳۳ درصد بازافت مواد، ۵۰ درصد بازافت انرژی و ۱۶ درصد کمپوست از زباله حاصل می‌شود.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران بحث بازیافت (چه در مواد پلاستیکی و چه غیر آن) یکی از فواید بسیار گسترش یافته‌ی مدیریت و با کثرت به‌دانش در اقتصاد ایران است؛ بخشی که با وجود ارزش‌افزوده بالا و صداپیشه نکات مثبت زیست‌محیطی فراوان، اما به هر شکل تاکنون نتوانسته گامی جدی را در خود جلب کند. این ادعا را می‌توان در اظهارنظر گروهی از نمایندگان مجلس دین که اخیراً اظهار داشتند به علت بی‌توجهی و عدم حمایت در حاکم حاضر بیش از ۵۰ درصد واحدهای بازیافتی زباله موجود در کشور تعطیل شده است، ضمن اینکه رئیس اتحادیه صنایع بازیافت ایران نیز عنوان می‌دارد که وضعیت صنعت مذکور چندان خوب نیست و این اتحادیه با داشتن ۲۶۰ عضو شامل شرکت‌ها و کارخانه‌های بازیافت‌کننده، ولیکن می‌گوید به وضعیت بد دچار شده که تنها با ۱۰ درصد توان خود فعالیت می‌کند.

صاحب‌بظران در توضیح علت این امر معتقدند که بزور این دارای علم مختلفی است که چراغ‌های شهروندان و عدم تفکیک زباله‌ها شروع و تا ماحضت همچون فقدان کارگاه‌های بازیولید، وجود دلالان، عدم حمایت‌های مؤثر دولتی و غیره ادامه می‌یابد. با این حال شکی نیست که بخش‌های عمده قسبه زیرساختی و قانونی باید در قانون برنامه آینده از صنعت بازیافت گذاشته شود که سرفاهیه چندان

۹۹ چرخه نقض بازیافت در همدان

اگرچه ممکن است در ظاهر امر وجود زباله برای زندگی و سلامت ما نواشیانده باشد، اما شکی نیست که همین سطل‌های به‌ظاهر زشت و پدیده‌ی تری برای مسیری منطقی کالانه‌ز شوند، می‌توانند برای برخی

اشکار نیست؛ این در حالی است که حمایت از صنعت بازیافت دو بُعد اقتصادی مهم برای صنعت کشور دارد، اول اینکه ایجاد یک میلیون شغل و ایجاد ده‌ها میزباز دلار ارزش افزوده می‌شود و دوم موجب صیانت از محیط‌زیست خواهد شد.

منبع درآمد و پولی باشد، منظور از این سخن تنها اجزای چند مرتبه شغلی دست پاییان هستند. پاکبان نیست، بلکه منظور فرایندی توسعه‌محور است که باعث بر کاهش جمع‌آوری زباله، مواد قابل بازیافت موجود در آن‌ها نیز می‌گردد و در سبیل مراکز و واحدهای تبدیلی هدایت می‌شود. در حال حاضر و در شهر همدان روزانه دهان تن انواع این‌ها تولید می‌شود، در این مجموعه خدماتی به‌شمار می‌آید که به‌دلیل فقدان مراکز تبدیلی مناسب و کافی، اخیراً شاهد صادرات مواد بازیافتی و بازتولید آن‌ها در سایر کشورها هستیم که باعث می‌شود ارزش افزوده حاصل از این فرایند به بی‌

شهرداری نیز برای مدیریت، دفع و بازیافت پسماندها تدابیر را اندیشیده و با تعبیه و تعریف برخی اماکن بازیافت، دفعیهایی را درارائه است. این اماکن حال شکی نیست که تلاش ها آن گونه که بابدواید تانکون مؤثر نبوده و درصاف بزرگترین مجموعه دفع فراموش شده است. بهر حال بازیافت و بازیافتی از افراد را کارگامی میشود که به صورت مشارغلی پایین دست و دلال گونه مشغول به جمع آوری این مواد از سطح شهر و فروش آن ها به مراکز تبدیلی و عموما در خارج استن هستند.

سپهرغرب از منطقه‌ای که همان‌کود دوزها کارگاه بسزری و کوچک بازایست در این واقع شده نیز گویای این واقعیت است که با وجود پتانسیل‌های بالا برای توسعه صنعت باافتال می‌تواند موجب رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال برای صدها نفر شود. نه‌تنها شاهد پیشرفت خاصی نبوده‌ایم، بلکه این موضوع بیشتر حالتی از زباله‌گردی و انبارداری در حد خرده‌پا پیدا کرده و سهم شدیدی از این چرخه سودآور فقط یک چهره سیاه، بدو و بدمنظره است که برای ما باقی ماند. یعنی چیزی شبیه به همین منطقه جمع‌آوری ضایعات در مسیر جاده کرمانشاه آنجا که انسان و ضایعات باهم در یک جاده خلاصه می‌شوند؛ در زحمت طاقت‌فرسا و درنهات هیچ...

مکانی در مسیر جاده کرمانشاه و البته نه خیلی دور از همدان، جایی که دهها کارگاه و مرکز جمع‌آوری ضایعات را در خود جای داده است. در این مکان تقریباً هر آنچه قابل بازیافت است را می‌توان پیدا کرد؛ از شیشه، آهن، پلاستیک و کاغذ گرفته تا خودرو. اگر کمی ذوق هنری داشته و خریدارانه به این راستا ننگرد، قطعاً می‌توانید از دل آن یک موزه عتیقه‌جات نیز بیرون بیاورید.

با وجود داستان پیچیده بازیافت، اما شرایط حاکم بر این منطقه چندان هم مبهم و پیچیده نیست، زیرا تقریباً نتیجه کار ضایعات جمع‌کن‌های شهری و چانه زدن‌های مزایده‌ها و اوراقی‌ها، در اینجا تلنبار می‌شود

تا بعد از تفکیک و اصطلاحاً آسیاب شدن، مهپای ارسال به خارج استان شوند و البته فرقی هم نمی‌کند بی ضایعات قوطی‌های پلاستیکی ما ظروف‌شویی و شامپو باشند یا تلویزیون‌های از رده خارج و نه حتی بیل‌های مکانیکی و ماشین‌آلات عظیم‌الجثه حفاری عجیب‌وغریب که تا حالا هیچ کدام از ما چشمان به آن‌ها نخورده و نه حتی خودرویی که معلوم نیست بر اساس کدام منطق در حال اوراق شدن رسی در این محل هستند! ادراوق اینجا ایستگاه آخر زمان است؛ برای هر وسیله‌ای که ظاهر دیگر به کار نمی‌آید، اما قرار است بعد از زیارت مجدد به چرخه کار برگردد.

اینجا انواع و اقسام دستگاههای پرس سنگین و خردکن و با هوایشرش را کمترین زمان این احجام زیور درشت را بر قطعات کوچک تبدیل می کنند تا پس از انتقال به مراکز ذوب و بازیافت، دوباره مورد استفاده قرار گیرند؛ البته نکته قابل توجه در اینجا حجم مواد ورودی و خروجی است که بر اساس گفتگو با صاحبان کارگاهها و همچنین باسکول واقع در منطقه، به دههائی در روز هم می رسد که اگر در استان ما نیز امکانات و زیرساخت های تبدیلی آنها وجود داشت، خود می دادند تا چه اندازه به رونق اقتصادی کمک می کرد.

بسیاری از صاحبان این مراکز در گفتگوهای خود عنوان می‌دارند که مواد پس از تفکیک اسباب، فشرده‌سازی و با تقطیع شده و به تهران، اصفهان، تبریز و دیگر استان‌ها صادر می‌شوند؛ زیرا در همدان امکاناتی برای دوباره بازیافت و استحصال محصولات جدید از آن‌ها وجود ندارد، گو اینکه چند مرکز موجود استان نیز به دلایل نامشخص علاقه‌ای به خرید این مواد ندارند.

به گفته شاغلین این صنف فقدان توجه به موضوع بازیافت باعث شده تا ایشان بیشتر در حکم انباردار ضایعات عمل کنند که البته چندان سودی هم ندارد، زیرا سود این شغل با خرید مواد تفکیک شده و آماده به ذوب به ارزان ترین مبلغ بیشتر به جیب دلال‌هایی می‌رود که واسطه آن‌ها و کارخانه هستند که ای کاش

می‌شد دست آن‌ها را از این روند کوتاه کرد. بیشه گفته این افراد در حالی که خود ضایعات (اعم از فلز، سببه، پلاستیک و غیره) را نیز به این فروشندگان می‌فروختند، عمده کارخانه‌ها بیشتر از تولید اولیه از نفت و معادن به دنبال خرید و بازفروزی ضایعات هستند، اما قیمت تمام‌شده خرید این محصولات از ما با وجود مشقاتی که در روند خرید، خرد، تفکیک، آسیاب، تقطیع و با پرس متحمل می‌شویم، خیلی ناچیز است و سود چندانی ندارد. درواقع با وجود برخی تفکرات غلط مبنی بر استحصال سود از پلاستیک، اما سود آن برای دلال‌هاست و ما بیشتر به داشتن شغلی برای امرارمعاش دل‌خوشیم تا چیز دیگری.

البته در نایب این سخن (حضور دلالان) نیز می‌توان به سخنان رئیس اتحادیه صنایع بازیافت اشاره کرد که گفته است: دلال‌های حوزه پسماند و مافیا آن‌ها را جمع می‌کنند و اجازه دسترسی مستقیم نمی‌دهند؛ بر اساس محاسبات دلال‌ها سالانه چندین میلیارد تومان از محل چرخه ارزش‌افزوده بازیافت کسب می‌کنند.

”زیر خط بهداشت، ایمنی و درآمد
هر چند پیش‌تر نیز گفتیم که یکی از راه‌وردهای
صنعت بازیافت کاهش هزینه‌های زیست از الودگی‌هاست،
با این حال روایت حال روز این منطقه و شاغلین
آن (البته منهای مالکان عمده) چیزی نیست جزء
دست‌وپا زدن در آشفته‌بازاری از الودگی و کثافت
و تهدید بیماری و روحی درخصوص تماس مستقیم با
عوامل بی‌ایمنی‌زا.

نوع شغل این افراد لاجرم ارتباط مستقیمی با زیاده و آلودگی دارد؛ احجام سنگین و فرزی صدماتی نیز بر سرده که گاهی می‌توان نشانگان آن را بیماری‌های مسری را هم در لایه‌های آن‌ها دید، چراکه فرصت‌طلبی عداوت باعث می‌شود که در برخی ضایعات شیمیایی و پسماندهای بیمارستانی (که علی‌القاعده باید معدوم شده و یا سوزانده شوند) در اینجا دیده شود؛ در حالی که کارگران روزمزد ساده دانسته و ندانسته با دست آن‌ها را تفکیک و جدا می‌جاء می‌کنند، بدون آنکه توجهی به تبعات این امر داشته باشند.

این شکل از جمع‌آوری ضایعات بازیافتی اگرچه یک شغل رسمی محسوب نمی‌شود، اما بررسی‌ها نشان داده افراد بسیاری که در این چرخه حضور دارند (وقتی در تماس مستقیم با مواد بازیافتی قرار می‌گیرند) ناخواسته متحمل صدمات و لطماتی می‌شوند که حتی ممکن است به خانواده ایشان نیز سرایت کند.

زیرا وضعیت این محیط به دلیل ساختار حاکم بر آن که تقریباً دور از چشم و نظارت است، باعث شده نه کسی دنبال دستکش باشد و نه سراغی از ماسک (بعنوان ساده‌ترین وسیله‌های ایمنی) بگیرد؛ گو اینکه در فرآیند برش و یا پرس فلزات هم کسی توجه چندانی به خطرات احتمالی ناشی از سقوط، انفجار و غیره نمی‌دهد... همه این تلاش‌ها صرفاً معطوف است به آخر روز و حقوقی که صاحب کار می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در اینجا کسانی به‌طور مداوم چندین سال در یک کارگاه مشغول به کار هستند، اما هیچ‌وقت صحبت از بیمه و بازنشستگی و غیره نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که مطالبه این حقوق اولیه یک نتیجه بیش‌تر ندارد و آن مصیبت دیگری سر سیاه زمستان است، به قول خودشان اینجا فقط قرار کار می‌گذارند، اما قرارداد نمی‌نویسند.

که فرایند به‌کارگیری و انعقاد قرارداد با این افراد مستلزم سازمان‌سازی جدید و تشکیل دوایر اداری است که با اصل کوچک‌سازی دولت در تضاد بوده و از طرفی انعقاد هرگونه قرارداد با ایشان بنوعی توقع مطالبات بعدی از قبیل بیمه بازنشستگی و غیره را نیز به دنبال دارد که در حال حاضر تأمین آن‌ها نیست و با اگر و اماها و مقاومت‌هایی نیز از سوی مالکان و صاحب‌کاران مواجه می‌شود.

موفقان این طرح معتقدند راهکارهایی وجود دارد که می‌توان با توسل به آن‌ها موانع را برداشت و به یک ساختار منظم‌تر در این حوزه رسید؛ چیزی مشابه با همان شرکت‌های خدماتی که به صورت خودفرما موجبات بیمه و بازنشتی را فراهم کرده و با یا با نظارت‌های سرانجه‌ای از وقوع ناپهنجاری و تخلف جلوگیری می‌کنند.

با مقایسه و توزین نظرات می‌توان گفت این احتمال دور از ذهن نیست که بتوان ساختاری را به‌وجود آورد تا علاوه بر ساماندهی افراد، مدیریت و کنترل این فرایند سودآور را نیز موجب شد؛ مشروط بر آنکه خود افراد نیز بخواهند که به این شرایط تن داده و پذیرای قوانین و مقررات خاص آن باشند.